

# پریادگیری و آموزش کاوی سمعی و بصری ساخت یکپارچه زبان عربی پایه

اللهوردی آذری نجف آباد

متخصص زبان آموزی و زبان شناسی کاربرده

## چکیده

آموزش و یادگیری عربی پایه با شیوه سمعی و بصری ساخت یکپارچه، کلید موفقیت است و می توان با این روش به آموزشی خوب و پایدار دل بست و به عاداتهای مطلوب زبانی دست یافت. هدف از این روش رسیدن به مهارت برقراری ارتباط است که توانایی حرف زدن با اهل زبان را فراهم می سازد. روش ساخت یکپارچه سمعی و بصری به زبان آموز امکان می دهد که در کاربرد زبان مغز خود را خودکارگونه به کار اندازد و جمله های آموخته را تنظیم و تفسیر کند و آنها را به زبان بیاورد و به هنگام نیاز در موقعیت های مناسب زندگی روزمره اش آموخته ها را به منظور برقراری ارتباط زبانی به کار گیرد این نوع یادگیری پویا و خلاق است. یک زبان آموز موفق آن کسی است که ساخت های پایه و واژگان پر کاربرد زبان عربی را در ذهن خود یکپارچه جذب کند و به مغزش اجازه دهد بی اختیار جمله هایی را که آموخته است در صحنه های دیگر به زبان بیاورد. در این مقاله تلاش شده است که با بهره گیری از شیوه های صحیح و درست آموزش و نحوه یادگیری زبان مواعی را که موجب یادگیری خوب و ارتباط زبانی با عرب زبانان می شود مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پریادگیری، آموزش کاوی، آموزش سمعی و بصری، واژگان پایه، عناصر زبانی.

## روش گفتگویی

روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه بر پایه اصول علمی و گفتگو تدوین می‌شود و از امتیازهای خاص آن آموزش زبان پایه با صوت و تصویر است که از یک برنامه‌ریزی دقیق علمی تبعیت می‌کند و تدریس مواد زبانی عربی پایه در هر کدام از واحدهای درسی با یک گفتگو ده دوازده جمله‌ای پیوسته و با یک موضوع گفتگویی بلند زنجیره‌وار همراه با تصویرهای فراوان در صحنه‌های روزمره زندگی آغاز می‌شود. زبان آموزش هم عربی معیار است و تدریس ساخت‌های زبانی یکپارچه و کلی است و در سه مرحله کاملاً مشخص دنبال می‌شود: (۱)

- یادگیری و همگون سازی ساخت‌های زبان پایه با یک گفتگو در آغاز هر درس شروع می‌شود که در این گفتگوها، واژگان پایه در قالب موضوع‌های آموزنده، مفید، پُرکشش و رغبت‌زا گنجانده شده است و روش بر اساس نظام صوتی، صرفی و نحوی و واژگانی در ساخت‌های پُر کاربرد و زبان پایه تهیه و تدوین شده است.

- بر اساس تک تک جمله‌های هر یک از گفتگوهای آغازین در هر درس، تمرین‌های ساختاری و تمرین‌های تثبیت ساخته می‌شود و کاربرد فراوان این تمرین‌ها و پُریادگیری آن موجب جذب، همگون سازی و خودی سازی ساخت‌های زبان در ذهن زبان آموز می‌گردد و در نهایت به تشکیل عادت‌های زبانی مطلوب منجر می‌شود که خود اساس پُریادگیری است. (۲)

- تمرین و کاربرد نیم مکالمه‌ها، مکالمه‌های آزاد، مکالمه‌های هدایت شده، در جهت تقویت دانش زبانی یکی دیگر از امتیازهای روش سمعی و بصری به شمار می‌رود. (۳) این مکالمه‌ها، نیم مکالمه‌ها و گفتگوها همه بر پایه واژه‌ها و جمله‌های آموخته شده قبلی و گفتگوهای آغازین فراهم می‌گردد. این دسته از مواد زبانی را زبان آموز قبلاً در درون گفتگوهای آغازین آموخته است و به معنی دقیق جمله‌های آن دست بافته است و همه را خیلی خوب با بهره‌گیری از مراحل یادگیری در کلاس با شیوه‌های توضیح، تکرار، بیان آزاد، تقلید از الگوها و درک کامل معنی با کمک تصویر و بدون کمک از زبان مادری به ذهن سپرده است.

می‌بینیم که در آموزش‌کاوی سمعی و بصری آموزش ساخت‌ها یکپارچه است و گفتگوها نیز پویا و زنده است و واقعیت‌های زبانی، ساخت‌های صرفی، نحوی، معنایی (پدیده‌های زیر زنجیری همه یکپارچه ارائه می‌گردد و از روش نغمه گفتار Verbo-tonal در شنیدن و دریافت دقیق صوت‌های زبان و تونید بی‌کم و کاست گفته‌ها در زنجیره کلام بهره می‌گیرد. (۴)

### فراگیری زبان مبتنی بر عادت

تدریس و آموزش‌کاوی گفتگویی در روش سمعی و بصری یکپارچه برنامه‌ریزی شده و نظام‌دار است و همچون مشق آموزش نظامی تقلید دقیق از بُرش‌های زبانی ضبط شده مبنای یادگیری است که به تمرین و تکرار فراوان نیاز دارد. بدین معنی که در آموزش نظام جمع در دوره آموزشی خدمت سربازی، سرباز باید شایسته و خودکارگونه قدم آهسته رفتن، دوش‌فنگ، پافنگ، پیش‌فنگ و نیزه فنگ را یادبگیرد و در فراگیری مهارت‌های نظام جمع، یک بار تمرین، دو بار تمرین نظام جمع کفایت نمی‌کند. لازم است سرباز ده بار، بیست بار و حتی گاهی صد بار، در صف سربازان دیگر، تمرین‌های نظام جمع را به فواصل در روز و ساعت‌های مختلف طی هفته‌ها و چند ماه متوالی به طور پیوسته و فشرده انجام دهد و تکرار کند. فرمانده خطاهای او و دیگر سربازان را بگیرد. تشویق و تنبیه را به اجرا درآورد تا سرانجام این سرباز و دیگر سربازان همه عادت کنند و تمرین‌های نظام جمع را یکنواخت، همسو و هماهنگ انجام دهند و همه در صف قدم آهسته هم‌نوا حرکت کنند و همه مشق‌های نظامی را بی‌چون و چرا همچون الگوهای فرمانده خوب به اجرا درآورند.

فراگیری تکلم در کودک نیز بر همین روال است. کودک در طول فراگیری تکلم که نزدیک به سی ماه و اندی طول می‌کشد، (۵) در آغاز زندگی خردسالی خود بر حسب عادت و تقلید و قاعده‌سازی‌های خاص خود، به پایه‌های زبان مادری خود تسلط پیدا می‌کند و حرف زدن را از مادر و پدر و افراد محیط اجتماعی خود فرا می‌گیرد. (۶)

که کودک قبل از به حرف آمدن و تسلط نسبی به نظام زبان مادری خود، ساخت‌های زبان مادری خود را با سرسختی و سماجت تمام تکرار می‌کند. زیرا کودک سخن محتاج است که با اطرافیان خود ارتباط برقرار کند. فراگیری این ارتباط شایسته منجر به فراگیری تکلم زبان مادری می‌شود. در فراگیری تکلم، مرحله تکواژی، دو واژی، بلبل زبانی و شیرین زبانی و قاعده سازی‌های خاص، در طول تقریباً ۳۶ ماه در ذهن کودک شکل می‌گیرد.

### پُریادگیری عربی پایه

با توجه به دو نکته بالا، در آموزش‌های زبان عربی پایه نیز بی‌شک باید همین شیوه دنبال شود و با تدوین یک روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه عربی پایه که اساس آن صوت و تصویر است، مشکلات اساسی و پایه آموزش و یادگیری عربی حل گردد. اگر هدف جز این باشد، نمی‌توان به یک پُریادگیری و آموزش مطلوب عربی پایه امید داشت.

آموزش و یادگیری عربی پایه با شیوه سمعی و بصری ساخت یکپارچه کلید و راز موفقیت است و می‌توان با این روش به آموزش و یادگیری خوب و پایدار دل بست و با ایجاد انگیزه در تک تک زبان‌آموزان با قبول شگرد رفتارگرایی، تکرار فراوان و تکرار معنی‌دار الگوها به پُریادگیری عربی پایه و عادت‌های مطلوب زبانی دست یافت و در ذهن زبان‌آموز عادت‌های زبانی پایدار خلق و ایجاد کرد. تسلط همه جانبه به عربی پایه کلید رسیدن به درک متون دینی و فهم دقیق قصص قرآن کریم است. باید معلم عربی از یک سو، ضبط شده گفتگوها از سوی دیگر با تکرار و تمرین زیاد جای مادر را بگیرد و همان‌طور که مادر با عشق و علاقه بی‌حد و مرز در فراگیری تکلم به کودک خود کمک می‌کند و خطاهای او را شادمانه به او گوشزد می‌کند و جمله‌های درست را بارها و بارها برایش با حوصله تکرار می‌کند و در برابر جمله‌های درستی که کودک تولید می‌کند، احساس شادی به او دست می‌دهد، معلم زبان عربی هم باید در کلاس عربی به زبان آموز خود در تشکیل عادت‌های مطلوب و خودکارگونه زبانی یاری دهد و در مرحله

آشناسازی با زبان عربی شفاهی با یاد دادن نغمه‌های گفتار، او را اندک اندک از راه پُریادگیری به سوی کسب مهارت‌های زبان پایه سوق دهد. (۷)

### یادگیری زبان

بنابراین، هدف از آموزش عربی پایه رسیدن به مهارت برقراری ارتباط است که توانایی حرف زدن با اهل زبان از آن جمله است. کسب این توانایی‌ها تنها با یک روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه به کمک معلم زبان عاشق و شیفته به یاد دادن و کتاب مضور و صوت اهل زبان، با گفتگوها و تمرین‌های ضبط شده در چند مرحله امکان پذیر می‌شود.

- زبان آموز به هنگام گوش کردن به نوار و شنیدن صحبت‌ها، گفتگوها، گزارش‌ها و پرسش‌ها، چه از نوار و چه از زبان معلم، پیام‌های محتوی درس را بدون ترجمه اما به کمک تصویرهای فراوان و توضیحات معلم، خوب درک می‌کند. این فعالیت‌ها سخت به تمرین و تکرار زیاد نیاز دارد. این شیوه کار همان پرورش شنوایی و تشکیل غربال صوتی زبان عربی در کنار غربال صرتهی زبان مادری است که فقط در پرتو خوب شنیدن با روش نغمه گفتار و درک معنی الگوهای زبان از خلال تصویرهای گویا میسر می‌شود. گاه علامت‌هایی و نظایر آن روشی را می‌توانیم برای یادگیری زبان عربی در نظر بگیریم. (۸)

- زبان آموز می‌تواند با ابزار زبان عربی پایه که کلید کار است، با اهل زبان و معلم صحبت کند و به پرسش‌های آنان پاسخ دهد و به راحتی و بدون مشکل و مکث از دیگران و هم کلاسی‌های خود سؤال کند. به گونه ای که آنان نیز صحبت‌ها و گفته‌های او را خوب دریافت کنند و بفهمند. این تلاش همان حرف زدن، سخن گفتن و تسلط بر تجزیه دوگانه زبان عربی است. این مهارت باید بارها در کلاس بدون وقفه، حتی بیرون از کلاس و در کلاس بین معلم و زبان آموز، زبان آموز و دیگر زبان آموزان و معلم تکرار و تمرین شود. زیرا بر اثر تکرار جمله‌ها، از راه پُریادگیری زبان آموز به بیان فردی آزاد می‌رسد. (۸)

- زبان آموز می‌تواند نوشته‌ها، گفته‌ها و گزارش‌های نوشتاری دیگران را، به شرط آن که این

گونه آثار تخصصی نباشند، در حد زبان عربی پایه خوب بخواند و بفهمد. حتی با این شیوه، زبان آموز قادر می‌شود داستان‌های پیوسته و بلند را بخواند و بفهمد و در مراحل پیشرفته‌تر خواندن متون دینی آسان لذت کافی ببرد. این تلاش همان مهارت خواندن و کشف معنی زبان از راه خط است که شیوه آموزش آن با آموزش‌های حرف زدن و آموزش ارتباط شفاهی سخت متفاوت است.

- زبان آموز در مرحله پیشرفته‌تر می‌تواند بنویسد، اندیشه‌های خود را به قلم آورد...

### نقش صوت و تصویر

صوت و تصویر در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه نقش تعیین کننده‌ای به عهده دارند. صوت الگوهای ضبط شده، غیر قابل تغییر است. نوار پدیده‌های زبر زنجیری و نغمه کلام گفتگوها را با گوش زبان آموز انتقال می‌دهد. تصویر هم سایه معنی جمله‌ها است و مستقیم معنی جمله‌ها را یکپارچه به ذهن زبان آموز منتقل می‌کند. زبان مادری خارج از جریان یادگیری قرار می‌گیرد.

● مشکل رسیدن به معنی از دو طریق امکان پذیر است:

الف- ترجمه به زبان مادری: این شیوه در تمام روش‌های آموزش زبان عصر حاضر متداول است و حتی در بعضی روش‌ها ترجمه گفتگوها در مقابل متن زبان قرار می‌گیرد.

ب- تصویر، پشتوانه دیداری: تصویر سایه معنی جمله‌ها است، شیوه‌ای که روش‌های جدید آموزش زبان‌ها پیشه ساخته‌اند. البته رسیدن به معنی فقط منحصر به «تصویر» نیست. به تدریج که زبان آموز در یادگیری‌های خود پیشرفت می‌کند، جمله‌های آموخته قبلی در رسیدن به معنی به او کمک می‌کند و از عناصر آموخته می‌توان در تعریف و توضیح آموخته‌های جدید کمک گرفت.

روند رسیدن به معنی از طریق ترجمه به زبان مادری و رسیدن به معنی از طریق تصویر، متفاوت است و در سرعت یادگیری نقش اساسی دارد روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه راه

بهره‌گیری از تصویر و پشتوانه‌های دیداری را برگزیده است. موریس اُپکل در کتاب بسیار ارزشمند، بادگیری زبان فرانسه، زبان زنده به نکته‌جالبی دربارهٔ رسیدن به معنی اشاره کرده است که اصول آن در زیر مورد توجه قرار می‌گیرد. (۹)

در واقع بین دال *le signifiant* و مدلول *le signifié* معنی یک دیواری موجود است. برای گذر از این دیوار می‌توان به دو طریق عمل کرد: رسیدن به معنی از راه ترجمه و رسیدن به معنی از راه تصویر که هر کدام با شیوهٔ خاص خود مشکل معنی را از سر راه زبان آموز بر می‌دارد. شیوهٔ ترجمه او را از راه زبان مادری به شناخت قاعده‌ها و واژه‌ها و معنی پراکنده و ناپیوسته زبان می‌کشاند اما او را از قدرت بیان به کلی دور نگه می‌دارد. شیوهٔ بصری و دیداری زبان آموز را به دریافت معنی یکپارچه و پیوسته زبان در بافت جمله‌ها هدایت می‌کند و کاربرد واژه‌ها را در سیاق کلام به او می‌آموزد. او را به سوی بیان می‌کشاند. در شیوهٔ ترجمه و شیوهٔ تصویر می‌توان به سه راه حل اشاره کرد:

#### ۱. دیوار بین دال، لفظ *signifiant* و مدلول، معنی *signifié*

شناخت یک زبان عبارت از این است که آدمی به سرعت و غیر ارادی، تعدادی دال *signifiants* یا لفظ‌هایی را که به زبان می‌آورد یا آن دال‌ها را می‌نویسد، با تعدادی مدلول یا معنی که در کله‌اش مجسم می‌شود، ارتباط دهد.

ویژگی زبان دوم که مشغول آموختن آن هستیم. در همین مسأله است. وقتی آدمی می‌خواهد از یک دال، لفظ به مدلول، معنی آن گذر کند، به یک دیوار برخورد می‌کند. این دیوار را می‌توان با دو خط موازی نشان داد:

مدلول، معنی <i>signifié</i>	دال، لفظ <i>signifiant</i>
-----------------------------	----------------------------

این دیوار برای کسی که زبان «دیگری» می‌آموزد، مانع رسیدن به معنی است. برای روشن

شدن مطلب به یک مثال از زبان فرانسه و یک مثال از فارسی اشاره می‌کنیم. یک نفر فرانسوی که از «پادرد» رنج می‌کشد و مخصوصاً پای راست او درد می‌کند، این جمله را غیرارادی به زبان می‌آورد و احساس درد خود را بیان می‌کند: /J'ai mal au pied droit/ برای فرانسوی‌زبانی که جمله بالا را به زبان آورده است، بین دال و مدلول یا بین لفظ و معنی جمله، دیواری وجود ندارد. اگر یک عرب‌زبان که مشغول یادگیری زبان فرانسه است و اصلاً فرانسه نمی‌داند، در این شرایط قرار بگیرد و از «درد پا» رنج بکشد، او هم احساس مشابهی دارد و چون پای راست او، درد می‌کند اندیشه خود را به گونه‌ای دیگر با یکی از این دو جمله به زبان می‌آورد: «رجلي اليمنى مريضة» و «رجلي اليمنى تؤلمني». برای عرب‌زبان نیز بین دال و مدلول یا لفظ و معنی دو جمله بالا دیوار وجود ندارد.

اما اگر همین عرب بخواهد این معنی را به فارسی و یا فرانسه به زبان آورد، این جمله‌ها در زبان فارسی و زبان فرانسه در مقابل او قرار می‌گیرد. /J'ai mal au pied droit/ /من پای راستم درد می‌کند/

در این جا دیوار بین دال و مدلول، دیوار بین معنی و لفظ در جمله‌های زبان فرانسه و فارسی خودنمایی می‌کند. در این حالت، این عرب، چگونه می‌تواند این مشکل را در زبان فرانسه یا فارسی حل کند. برای حل این مشکل و برای رسیدن به معنی جمله‌های فارسی و فرانسه می‌توان از شیوه درک از راه ترجمه و شیوه درک از راه تصویر کمک گرفت:

#### ۲. شیوه درک از راه ترجمه

عرب‌زبانی که می‌خواهد مشکل معنی جمله فرانسه و فارسی /J'ai mal au pied droit/ و جمله فارسی /من پای راستم درد می‌کند/ را حل کند، باید از راه زبان مادری خود که همان زبان عربی است وارد میدان معنی بشود. او باید تلاش کند مدلول یا معنی جمله‌ها را با پیوند دادن به دال جمله مادری خود که به علامت‌هائی signes در جمله مادری او بسیار نزدیک باشد، گذر کند. این تلاش در رسیدن به معنی را می‌تواند با دو شکل زیر نشان دهد:



مشکل رسیدن معنی در زبان دیگر: بین دال و مدلول دیوار وجود دارد:

۱- دال، لفظ، signifiant	۴- مدلول signifié معنی و مفهوم
مجموعه واج‌های زبان فرانسه یا فارسی	آن چه به کمک واج‌های زبان فارسی
/Jāi mal au pide droit/	یا زبان فرانسه پدیدار می‌شود
/امن پای راستم درد می‌کند/	

● داده‌های زبان مادری، که همان زبان عربی است و بین دال و مدلول دیوار وجود ندارد:

۲- دال signifiant، صوتی با خطی مجموعه	۳- مدلول signifié آنچه به کمک واج‌های، زبان عربی پدیدار شده است.
واج‌های عربی	
ارجلی الیمنی مریضة/	
ارجلی الیمنی تولمنی/	

● راه حل: برای رسیدن به معنی از راه ترجمه، زبان آموز به شیوه زیر عمل می‌کند:

۱- دال، لفظ signifiant	۴- مدلول، signifié معنی	۲- دال، لفظ، signifiant
/Jāi mal au pied droit/	آن چه به کمک واج‌های زبان	مجموعه واج‌های زبان عربی
/امن پای راستم درد می‌کند/	فارسی یا زبان فرانسه پدیدار	ارجلی الیمنی مریضة/
	شده است.	ارجلی الیمنی تولمنی/
	۳- signifié مدلول: آن چه با	
	واج‌های زبان عربی پدیدار شده	
	است.	

مسیر درک و فهم از راه ترجمه، از دال زبان فرانسه یا دال زبان فارسی به دال زبان مادری و از آن به مدلول زبان مادری از ۱-۲-۳-۴ می‌گذرد.<sup>(۱۰)</sup> عرب زبان صداهای زبان فرانسه و زبان فارسی را می‌شنود و می‌بیند و برای درک معنی آن جمله‌ها به جمله /ارجلی الیمنی مریضة/ یا جمله /

رجلی الیمنی تؤلمنی / مراجعه می‌کند. برای رسیدن به معنی زبان آموز عرب دیوار را دور زده است.

درک و فهم مدلول (معنی در زبان عربی) و مدلول (معنی در زبان فرانسه یا فارسی) لازمه‌اش این است که عرب زبان در زبان فرانسه یا زبان فارسی عادت‌های زبانی دست یابد. شیوه قرار گرفتن واژه‌ها و سازمان‌های جمله‌ها را در فارسی و فرانسه بدانند... از راه ترجمه، تک تک کلمه‌ها در زبان عربی و زبان فرانسه یا فارسی در مقابل هم قرار می‌گیرند. چون هر زبانی به شیوه خرید عمل می‌کند و ترتیب قرار گرفتن کلمه‌ها در زبان فرانسه و فارسی چنین نیست. می‌بینیم کارکرد کلمه‌ها در جمله‌ها به گونه دیگری است و از نظام زبان فارسی و فرانسه تبعیت می‌کند. چون عرب زبان از راه ترجمه نمی‌تواند به ویژگی‌های این دو زبان دست یابد بنابراین شیوه ترجمه نمی‌تواند ابزار کار و امکان کاربرد دقیق جمله‌ها را در دو زبان فارسی یا فرانسه را برای او فراهم کند.

عربی که زبان فارسی یا فرانسه می‌آموزد، در زبان مادری‌اش، کارکرد خاص زبان عربی را دنبال می‌کند که عبارت است از: پا + من + راست + من + مریض = /رجلی الیمنی مریضة / و پا + من + راست + آزار می‌دهد + من + را / رجلی الیمنی تؤلمنی / حال آن که چه در فرانسه / J'ai mal au pied droit / و چه در فارسی / من پای راستم درد می‌کند / ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها با ترتیب قرار گرفتن واژه‌های در زبان مادریش یکی نیست. (۱۱)

زبان فرانسه از ساخت جمله خود تبعیت می‌کند و زبان فارسی هم ساخت خاص خود را دارد. زبان‌ها از نظر معنایی و کاربرد واژه‌ها هم با هم تفاوت دارند. زبان عربی برای انتقال «معنی» درد، فارسی و / mal / در فرانسه از واژه / مریضة / و / تؤلمنی / بهره می‌گیرد. در جمله عربی نهاد جمله «رجلی» است حال آن که در زبان فرانسه جمله با فاعل من / Je / شروع می‌شود. در زبان فارسی هم چنین پدیده‌ای وجود دارد. وجود / من / در اول جمله نشانگر تأکید است و درد می‌کند هم به «پای راست» بر می‌گردد. می‌بینیم که ساخت جمله‌ها و ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در ساختمان جمله‌ها در دو زبان فارسی و فرانسه با ساخت جمله عربی سخت در تضاد است. چه در فارسی و چه در فرانسه، واژه / مریض یا مریضة / برای پا درد به کار نمی‌رود. فارسی زبان و یا فرانسوی زبان وقتی خودش مریض باشد، می‌گوید: من مریض هستم Je suis malade ولی بعید است که فارسی زبان بگوید «پای راست من مریض است» و فرانسوی زبان هم ممکن

نیست بگوید: **Mon pied droit est malade** هر چند ترتیب قرارگرفتن واژه‌ها این جمله‌ها قابل قبول است. اما چنین جمله‌هایی نه معنی «پادرد» را به ذهن فرانسوی انتقال می‌دهد و نه به ذهن فارسی زبان. بنابراین می‌بینیم که از راه ترجمه همین مسیر طی می‌شود و در ذهن زبان آموز تداخل‌های ساختی، معنایی و فرهنگی ایجاد می‌شود. چون با در کنار هم قراردادن «دال‌های دو زبان نمی‌توان به معنی واقعی جمله‌ها دست یافت. بنابراین ذهن با مسائل جنبی درگیر می‌شود و به جای تملک ساخت‌های زبان و کسب مهارت‌های زبانی درباره دستور زبان به دانشی گسترده دست می‌یابد و هرگز در طول یادگیری به بیاز و تولید در زبان که مشغول یادگیری است، دست نمی‌یابد.

شیوه آموزش زبان عربی در مدارس، طبق برنامه‌های رسمی کم و بیش با همین شیوه دنبال می‌شود. به همین خاطر است که در طول چند سال آموزش رسمی عربی آموخته‌های زبان آموزان عربی در ذهن دانش آموزان هرگز پویا نمی‌شود و بهره‌گیری از آن آموخته‌ها غیرممکن است. به عبارت دیگر آموزش و شیوه یادگیری در مدارس عربی غیرفعال است و به همین علت، زبان آموز هرگز به ادامه یادگیری رغبت نمی‌کند. وانگهی چون مراحل به یادسپاری، توضیح، تملک و خودی‌سازی انجام نگرفته‌اند و نظم آموخته‌ها در ذهن او به خوبی تثبیت نشده‌اند، یادگیری ناتمام رها می‌شود. این‌گونه آموخته‌های موقتی خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شوند.

### ۳. درک از راه تصویر

تصویر راه میان‌بُر و کوتاه آموزش‌شکاوای زبان است. تصویر پشتوانه معنی است. تصویر به کمک درک جمله‌ها می‌شتابد. زبان آموز با بهره‌جستن از قدرت بینایی خود تدریجاً به درک معنی جمله‌های زبان عربی می‌رسد.

باید دانست که تصویر هم به نوبه خود معرف دال است و مدلول لااقل تصویر که در جمله‌های زبان به کارگرفته می‌شود. یک تصویر در صحنه‌ای معین معنی جمله‌ای را که آموزش می‌دهیم به ذهن انتقال می‌دهد. تصویر هم خود یک علامت است.

دال تصویری مجموعه‌ای است از خط‌ها، رنگ‌ها و سایه روشن‌ها که در کنار جمله آمده است یا بر پرده کلاس به نمایش در می‌آید و یا بر تخته ماهوتی ارائه می‌گردد. و مدلول تصویر هم


همان چیزهایی است که رنگ‌ها، خط‌ها و سایه روشن‌ها و حرکت تصویرها ارائه می‌دهند. بنابراین با کمک تصویر یا مدلول تصویری *le signifié d'image* می‌توان به معنی جمله‌ها دست یافت. شیوه رسیدن به معنی از راه تصویر و راه عملی آن در نمودارهای زیر آمده است: (۱۲)

۱- دال، لفظ، <i>signifiant</i>	۴- مدلول <i>signifié</i> معنی، آن چه به
مجموعه واج‌های زبان فارسی یا فرانسه	کمک واج‌های زبان فارسی یا فرانسه
<i>/J'ai mal au pïde droit/</i>	پدیدار می‌شود
امن پای راستم درد می‌کند/	

● از راه تصویر بین دال و مدلول دیوار وجود ندارد:

۲- دال <i>signifiant</i> دال، خطی	۳- مدلول <i>signifié</i> معنی آن چه تصویر نشان می‌دهد
آنچه با خط و سایه روشن و رنگ در تصویر آمده است	
	

● راه حل رسیدن به معنی

۱- دال، لفظ <i>signifiant</i>	۴- مدلول، <i>signifié</i> معنی	۲- دال، لفظ <i>signifiant</i>	۳- مدلول <i>signifié</i> معنی
مجموعه واج‌های فارسی و فرانسه	آنچه با واج‌های فارسی یا فرانسه پدیدار شده است.	مجموعه خط‌ها و سایه روشن‌های تصویر	آن چه در تصویر آمده است.
<i>/J'ai mal au pied droit/</i>			
امن پای راستم درد می‌کند/			

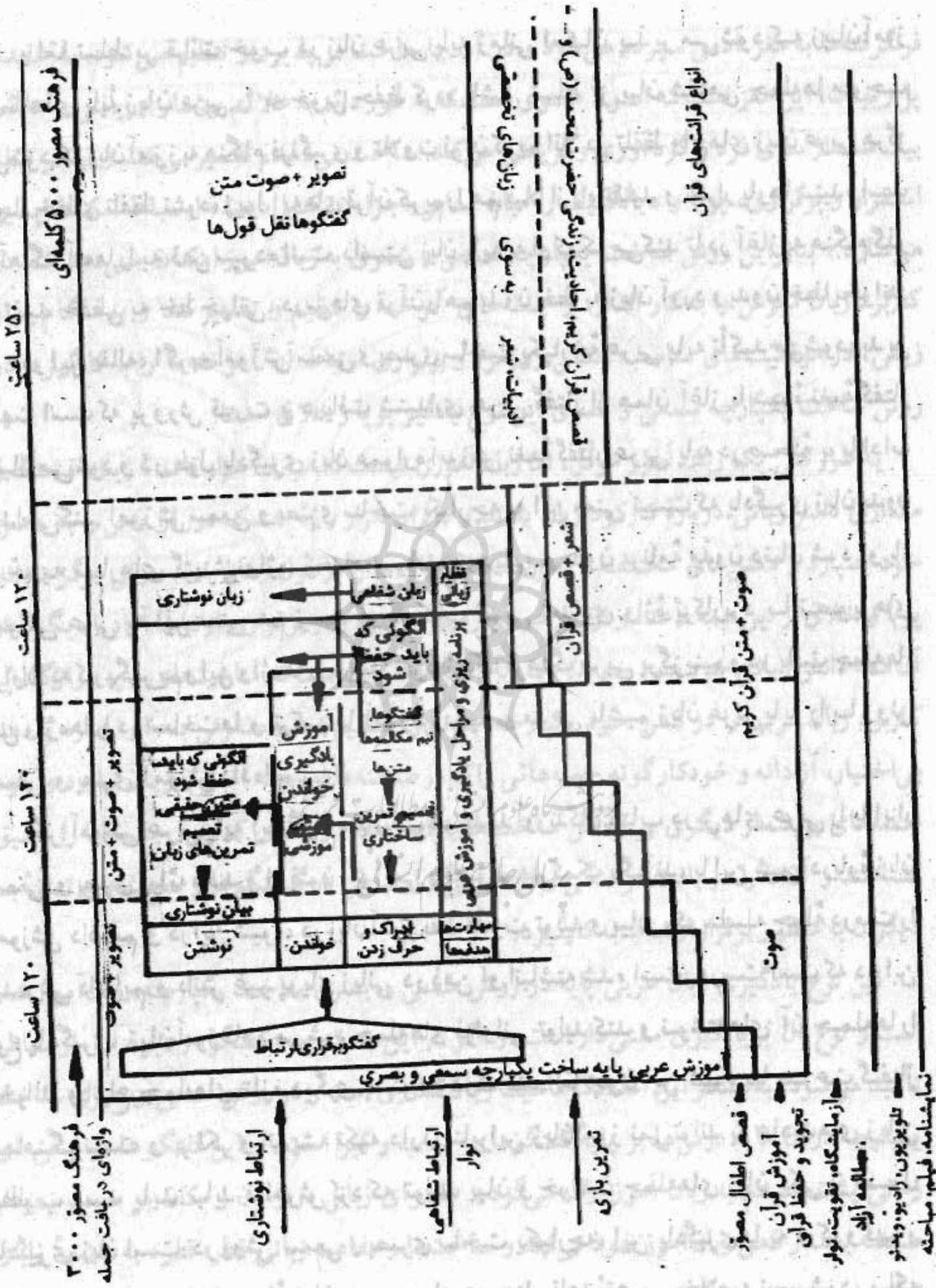
برای رسیدن به معنی از راه تصویر نیز از مسیر ۱-۲-۳-۴ استفاده می‌شود. در این شیوه هم از دال حرکت می‌کنیم و به مدلول می‌رسیم. در این جا هم، از دیوار عبور نکرده‌ایم و دیوار را دور

زده‌ایم. (۱۳) هر چند ساخت زبان تصویری نسبت به ساخت خود زبان از غنای کمتری برخوردار است و تصویر نمی‌تواند کل معنای درون یک جمله را بیان کند، اما تصویر همراه صوت اهل زبان احساس «درد» را به ذهن زبان‌آموز انتقال می‌دهد و به همین خاطر است که تصویر از امتیاز خاصی برخوردار است. جمله / من پای راستم درد می‌کند / *J'ai mal au pied droit* / همزمان با تصویر و بدون تصویر، چندین بار پس در پی تکرار می‌شود. معلم با توضیحات اضافی با کمک آهنگ کلام، احساس «درد» را به ذهن زبان‌آموز عرب انتقال می‌دهد. در اثر تکرارها و تقلیدهای درست و دقیق از الگوی اصلی و تمرین‌هایی که بر اساس همین الگو ساخته می‌شود، ساخت جمله فارسی یا فرانسه در ذهن زبان‌آموز عرب جا می‌افتد. چون زبان‌آموز هم قوه بصری خود را به کار انداخته است و هم از راه دیداری، رگه‌های معنی جمله را به ذهن خود انتقال داده است و هم از کانال شنیداری بهره‌برده است. صوت‌های زنجیره کلام او را شرطی کرده است و او آماده دادن پاسخ به مرحله بیان‌گام نهاده است. وقتی زبان‌آموز این‌گونه جمله‌ها و ساخت‌های مشابه جمله اول را با نظم و ترتیب و بر پایه اصول یادگیری به ذهن می‌سپارد و آموخته‌ها را در ذهن ملکه می‌کند، بیرون کشیدن این آموخته‌ها از ذهن به سهولت انجام می‌گیرد، چرا که زبان‌آموز ناخودآگاه ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در ساختمان جمله الگورا درمی‌یابد و جانشینی‌سازی را می‌آموزد و در کارکرد محور همنشینی به مهارت دست می‌یابد و در به زبان آوردن جمله‌هایی که بارها شنیده است، هرگز دچار خطا نمی‌شود. زیرا جمله‌ها را بدون تداخل زبان مادری و دور از آن خیلی خوب به خاطر سپرده است و در همگون‌سازی و خودی‌سازی آن ناخودآگاه کوشیده است. بنابراین صوت و تصویر در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه به کمک هم می‌شتابند و نقش معنارسانی را تکمیل می‌کنند. صوت ضبط شده است. غیر قابل تغییر است. تصویر هم هر چند بار که لازم باشد، همراه صوت همزمان ارائه می‌شود. پدیده‌های زبانی، واقعیت‌ها و عناصر زبانی از خلال واژه‌های پرکاربرد در قالب چند جمله در یک گفتگو ارائه می‌شود. گفتگویی که کاملاً طبیعی تدوین شده است و نوآمان با آهنگ گفتار و همراه با تصویرهایی در صحنه‌های آموزشی

در مقابل زبان آموز قرار می‌گیرد. زبان آموز با دو حس شنوایی و دیداری خود وارد عمل یادگیری می‌شود. تصویر معنی جمله‌ها را که کامل هم نیست، یکپارچه به ذهن زبان آموزان انتقال می‌دهد. چون زبان مادری خارج از جریان یادگیری است. دقت بصری و دقت شنوایی مضاعف می‌شود «مجموعه فعالیت‌هایی که در راستای برقراری ارتباط انجام می‌شود، ایجاب می‌کند که یک ارتباط پویا و بالنده میان تمامی توانایی‌های بشری برقرار شود. باید گفت که این توانایی‌ها همیشه در صحنه‌های برقراری ارتباط به میدان می‌آیند و در یادگیری و رشد این ارتباط شفاهی، میان فردی که زبان یاد می‌گیرد و جامعه، میان جسم و شعور و عواطف او دائماً تعامل و وابستگی‌های متقابل وجود دارد» (۱۴).

اگر هدف‌های آموزش و یادگیری زبان عربی پایه به همان شیوه‌ای که در بالا اشاره شد، همچون آموزش‌های سمعی و بصری ساخت یکپارچه مرحله به مرحله رعایت می‌شود و شعور، جسم، عواطف، دقت بصری و شنیداری فعالانه در یادگیری شرکت کنند، بی‌شک یادگیری معنی‌دار انجام می‌گیرد. در پی یادگیری‌ها، تقویت‌ها، تکرارها و کاربرد محدود همان آموخته‌ها، زبان آموز به پربادگیری دست پیدا می‌کند. وقت دانش آموز هرگز در کلاس و در طول تحصیل، به هدر نمی‌رود، به زبان عربی تسلط پیدا می‌کند و با شوق و شور زیاد در مراحل پیشرفته، یادگیری گسترده عربی را با رغبت دنبال می‌کند.

در طول یک صد و هشت ساعت آموزش عربی پایه که با برنامه یک ساله سه نلث آموزش رسمی و فوق برنامه آن مطابق است، می‌توان با یک روش فشرده - نه گسترده - به کودک عربی پایه را آموزش داد و همزمان با آن آموزش قرآن را نیز با توجه سطح سواد کودک شروع کرد (۱۵).



و اما تسلط بر قرائت خوب در زبان عربی پایه زمانی امکان پذیر می‌شود که زبان آموز جمله‌های پایه زبان عربی را به خوبی حفظ کرده باشد. تسلط بر بیان شفاهی جمله‌ها موجب می‌شود که زبان آموز به هنگام فراگیری و تلاوت قرآن کریم اقلأ در تلفظ واج‌های زبان عربی هرگز دچار خطای تلفظ نشود، زیرا آیه‌های قرآن کریم را هم قبلاً از راه تقلید و تکرار بارها شنیده است و آهنگ آیه‌ها را به ذهن سپرده است. دانستن زبان پایه به او کمک می‌کند تا در آغاز به هنگام گذر از تقلید حفظی به خط خوانی، درس‌های قرآن را هم بدون خطا به زبان آورد و بدون خطا بخواند. در این مقاله، اگر به آموزش سمعی و بصری ساخت یکپارچه عربی پایه تأکید می‌شود، بدین جهت است که پرورش قدرت و دریافت شنیداری عربی گفتار از همان آغاز با شیوه نغمه گفتار دنبال می‌شود و در طول یادگیری زبان همواره آموزش نغمه گفتار عربی پایه در صحنه پویا ادامه پیدا می‌کند. آموزش سمعی و بصری ساخت یکپارچه به این معنی نیست که یادگیری زبان بدون توجه به معیارهای گزینش واژه، ژخداد، بسامد، زودیابی و بدون برنامه مذون دنبال شود. و باز آموزش عربی به این معنی هم نیست که در کتاب عربی تعدادی واژه پُرکاربرد با تصویرهای فراوان به کار بگیریم و این واژه‌ها را به میل خود از یک فرهنگ عربی برگزینیم و در بافت جمله‌ها، این واژه‌ها را در ساخت‌ها و ترکیب‌ها آموزش دهیم و مدعی باشیم زبان عربی پایه را با روش سمعی و بصری آموزش داده‌ایم.

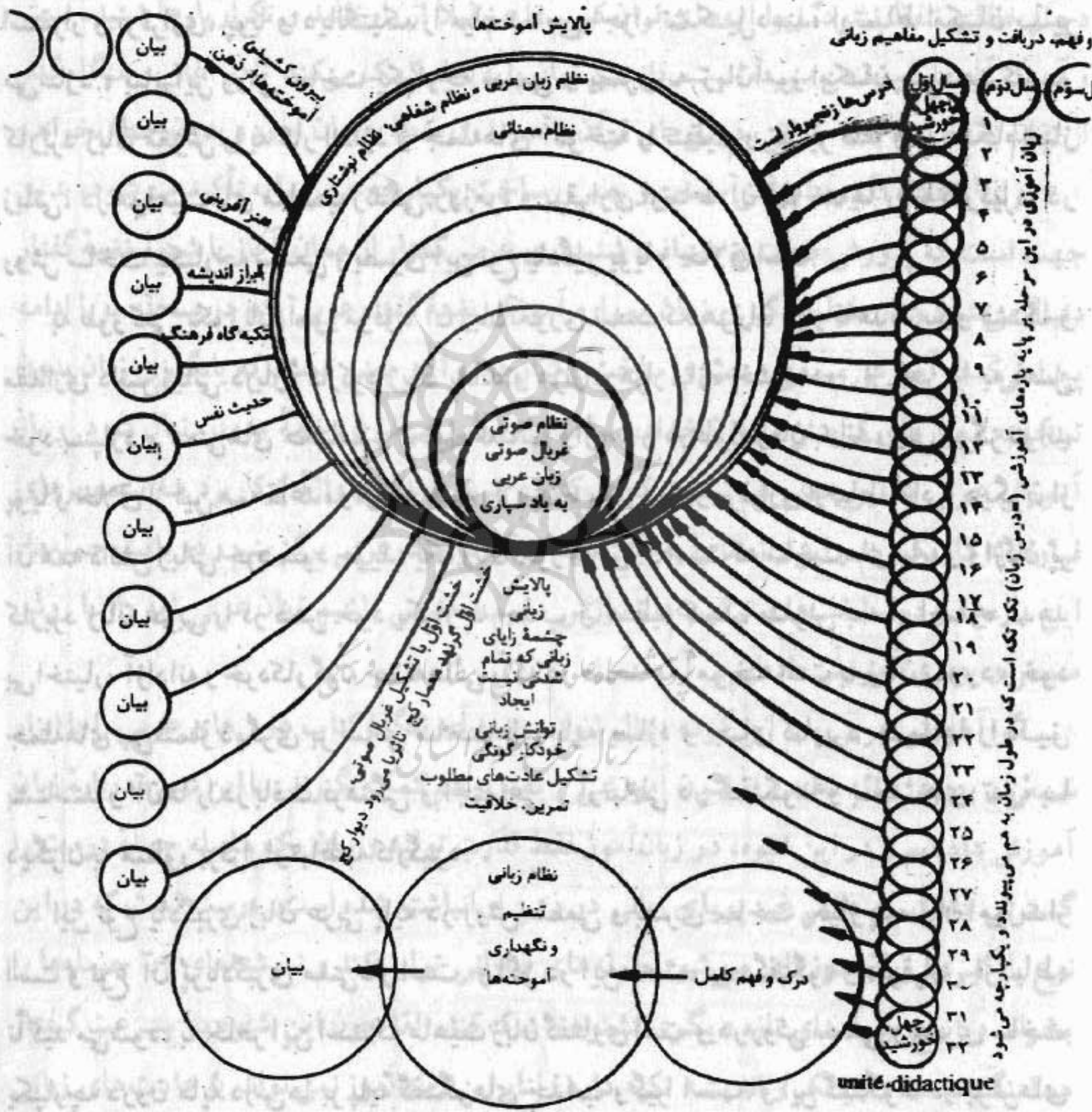
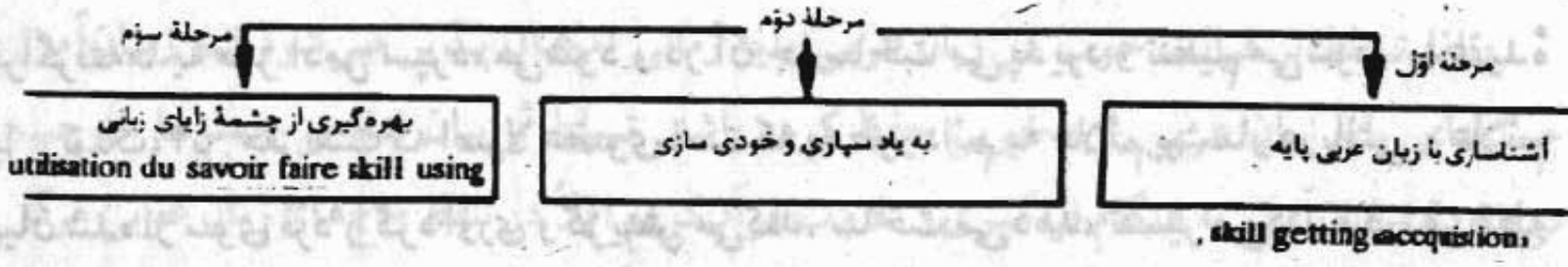
گر آموزش عربی پایه به این گونه دنبال شود و پدید آورندگان کتاب درس‌های عربی را با ابزار سمعی و بصری ارائه دهند و از فنون آموزشی و تصویر هم کمک بگیرند، با این شیوه درباره زبان آموزش داده‌ایم و در این شیوه، در زبان آموز فقط قدرت تولید و بیان یک سلسله جمله درست را گسترش داده‌ایم و دانش غیر پویای زبانی در ذهن او انباشته شده است. درست است که در این نوع یادگیری، زبان آموز قادر می‌شود جمله‌های فراوانی تولید کند و نوشته‌های آن جمله‌ها را بخواند و انواع جمله‌های تازه دیگری بشنود و درک کند. اما چون این شیوه با سرعت گفتار هماهنگ نیست و بر فکر و اندیشه تکیه دارد، بنابراین زبان آموز نمی‌تواند به عادت‌های زبانی مطرب دست یابد. نباید فراموش کرد که تولید، بیان و خواندن جمله‌های زبان یکی از اصول یادگیری زبان است. در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه، این یادگیری‌ها به درک و فهم و تولید غیر پویای هزاران جمله زبان عربی و دانستن هزار قاعده عربی خلاصه نمی‌شود، بلکه



فراگرفته‌ها به مغز آدمی سپرده می‌شود و در آن جا ساخت می‌پذیرد و تنظیم می‌شود. به عقیده پل ریونک، این مغز است که اصولاً عضوی است که به طور دائم به علائم بیشمار دریافتی و علائم بیان شده از سوی فرد را گردآوری و گزینش می‌کند. ساخت می‌دهد، تفسیر می‌کند و در هر نقطه استقرار و برقراری، پویا و دیالکتیک را میان تمامی اجزاء تشکیل‌دهنده ارتباط امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین روش ساخت یکپارچه سمعی و بصری به زبان‌آموز امکان می‌دهد که در کاربرد زبان مغزش را به کار اندازد و جمله‌های آموخته را تنظیم و تفسیر کند و به هنگام نیاز زبانی، در موقعیت‌های مناسب زندگی روزمره و برقراری ارتباط آن آموخته‌ها را به کارگیرد. در روش ساخت یکپارچه سمعی و بصری این نوع یادگیر پویا و خلاق است.

به طور کلی یک زبان آموز موفق، آن زبان‌آموزی نیست که هزاران هزار قاعده زیبا و قشنگ و مقداری دانش زبانی درباره کارکرد زبان بداند و هزاران هزار واژه خشک دور از ذهن را به ذهن خود بسپارد و معنی‌های مختلف و تحول معنایی واژه‌ها را در طول زمان بداند، ولی هرگز نتواند پویا و خلاق از این همه قاعده و از این همه واژه بهره بگیرد و در برقراری ارتباط آزاد با دیگران از آن همه دانش زبانی خرد سود جوید. یک زبان‌آموز موفق آن است که ساخت‌های پایه و واژگان پُر کاربرد زبان عربی را در ذهن خود یکپارچه جذب و تنظیم کند. مغزش به او اجازه بدهد بی‌اختیار، آزادانه و خردکارگونه جمله‌هایی را که در صحنه‌ها آموخته است به زبان بیاورد و خود جمله‌های بی‌شمار دیگری بر اساس ساخت‌های پایه بسازد و جای کاربرد جمله‌ها را دقیق بشناسد و آن‌ها را در بابت فرهنگی و اجتماعی و ارتباطی در گفتگوها و بحث‌های تازه با دیگران به منظور برقرار ارتباط به کارگیرد.

این نوع یادگیری زبان عربی پایه در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه، زبان‌آموزمدار است و نوع آن پریادگیری معنی‌دار است. و اگر در این بحث، به «گفتگو» و «برقراری ارتباط» تأکید می‌شود، به خاطر این است که ماهیت زبان‌گفتاری است و در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه درون مایه درس‌ها بر پایه گفتگوهای جذاب و گیرا است. و این گفتگوها در برش‌های زمانی پشت سرهم به زبان آموز ارائه می‌گردد. محتوای زبانی در زمان و مکان بر حسب نمودار صفحه بعد در ذهن زبان‌آموز نفوذ می‌کند و ساخت‌ها و مفاهیم زبانی قطره قطره به چشمه زبانی زبانی می‌پیوندند و ساخت می‌پذیرند.



تولید غیر پویای هزاران جمله زبان عربی و دانستن هزار آله پند و اندرز بی‌پایان

باتوجه به تشکیل چشمه زبانی گفتگو در روش ارتباطی *une appoche communicative* بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. زیرا تا زبان پایه به ذهن سپرده نشده باشد چگونه می‌توان در مراحل پیشرفته با شیوه ارتباطی به گفتار دست یافت. روش سمعی و بصری کاملاً روشی ارتباطی است. برای رسیدن به نتیجه مطلوب و ایجاد عادت، از اصول علمی زبان‌آموزی، نظریه‌های یادگیری و رفتارگرایی بهره می‌گیرد و بر نگرش ارتباطی، مهارت‌های کلامی، گفتگوهای طبیعی و اصول سمعی و بصری و آموزش زبان پایه تأکید دارد:

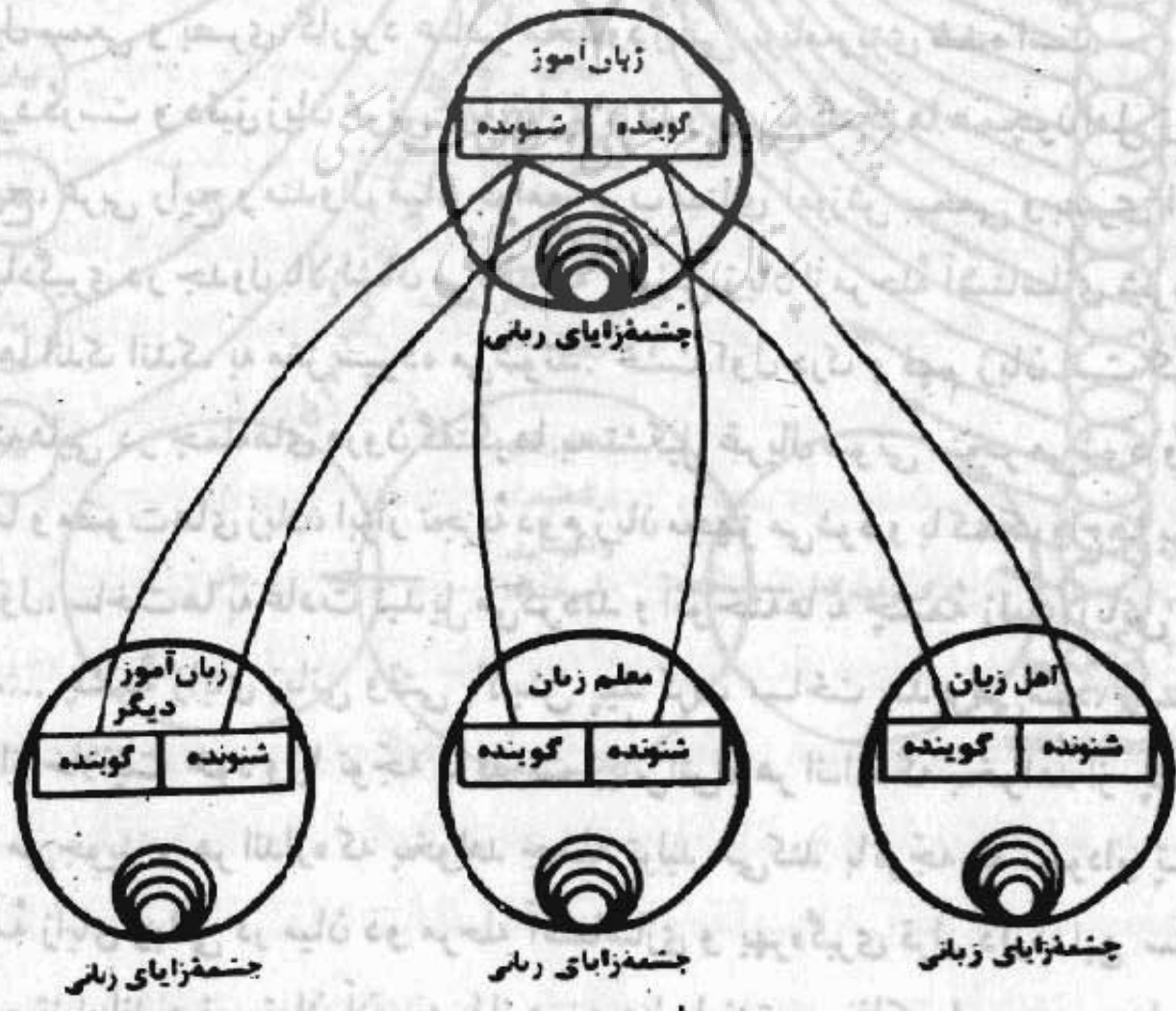
- مهارت‌های کلامی زبان شامل آن دسته از فعالیت‌ها و تلاش‌هایی است که زبان‌آموز از زبان شفاهی بهره می‌گیرد و الگوی استفاده زبان شفاهی همه نوار است
- نگرش ارتباطی در آموزش عربی پایه به ایجاد رفتار زبانی منجر می‌شود. تقویت و گسترش توانایی‌های زبانی فقط در روش ارتباطی زبان امکان پذیر است که رسیدن به آن جز با کمک زبان پایه امکان پذیر نیست
- گفتگوها کاملاً طبیعی است و شرایط یک گفتگوی خوب را دارا می‌باشد و همراه تصویر و صوت رسیدن به معنی را تضمین می‌کند.
- اصول سمعی و بصری، کاربرد عناصر محدود زبانی برنامه‌ریزی شده است.
- کاربرد درست و دقیق زبان عربی پایه، کاربرد تند و سریع گفتگوها همچون اهل زبان، کاربرد عربی فصیح، عربی رایج و متداول میان جوامع عرب مبنای آموزش سمعی و بصری است.
- روند یادگیری در جدول بالا نشان می‌دهد که آموزش زبان از مرحله آشناسازی شروع می‌شود و آموخته‌ها اندک اندک به مغز سپرده می‌شوند. خشت اول درک و فهم زبان است که بر اساس جفت‌گیمه‌هایی در جمله‌های درون‌گفتگوها به تشکیل غربال صوتی منجر می‌شود و زبان‌آموز به صامت‌ها و مصوت‌های زبان، ابزار تجزیه دوم زبان مجهز می‌شود و با کمک واج‌ها بر اثر تسلط به تجزیه اول، ساخت‌ها به عادت تبدیل می‌گردند و آموخته‌ها به چشمه زبانی عربی پایه می‌پیوندند... چشمه زبانی وقتی پالایش پیدا کرد، ساخت پذیر می‌شود، زبان‌آموز با بهره‌گیری از خلاقیت خود و با توجه به قدرت زبانی‌اش، هر اندازه که بخواهد از چشمه زبانی عربی بهره می‌جوید و هر اندازه که بخواهد جمله تولید می‌کند. باتوجه به نمودار پربادگیری زبان، چشمه زبانی در میان دو مرحله آشناسازی و بهره‌گیری قرار دارد. این سه مرحله سخت به هم تنیده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از هم مجزا ساخت. مع ذلک، این سه مرحله در تعامل

با یکدیگر تکمیل می‌شوند.

- در مرحله اول، ساخت‌های زبانی و واژگان پایه با درجه بندی و پیشروی گام به گام ارائه می‌شود. برش‌های درس‌ها پی‌درپی است و دریافت عناصر تازه زبانی و درک و فهم آن نقش مقوله‌های زبانی و کاربرد واژه‌ها را شکل می‌دهد.

- تقلید از الگوهای شفاهی، تولید همان الگوها، حفظ کردن گفتگوهای آغازین و پیاده کردن تمرین‌های ساختاری شفاهی و نوشتاری فراوان، ساخت‌ها را به همگونی و جذب در چشمه زبانی می‌رساند. اگر اصول پژوهش، مرور کردن برنامه‌ریزی شده در درس‌ها پیاده شود، یادگیری محکم و استوار می‌گردد. چرا که درصد یادگیری پاشان به مراتب بیشتر از یاد یاری انباشته است و تکرار هر چند درس یک مرتبه مطالب درس‌های گذشته نمی‌تواند در یادگیری مؤثر باشد. این مرحله نیز خود با تولید و بیان توأم است.

- مرحله بده بستان‌های زبانی، مرحله سوم است که همان مرحله برقراری ارتباط شفاهی می‌باشد. در این مرحله زبان آموز هم شنونده است و هم گوینده. معلم زبان یا شاگردان دیگر و اهل زبان هم به همین شکل با وی ارتباط برقرار می‌کنند:



در پی یک پربادگیری، غربال صوتی تشکیل شده است. (۱۶) زبان عربی پایه به چشمه‌ای زاینده زبان تبدیل شده است. تعداد واج‌های نظام زبان، صامت‌ها و مصوت‌ها محدود است. ساخت‌های زبان محدود است. قاعده‌های هجائی، قاعده‌های صرفی و نحوی هم تعدادشان چندان زیاد نیست. با همین ابزار اندک ساخت پذیر، زبان آمرز از تعدادی، نامحدود واژه بهره می‌گیرد و با بهره‌گیری از چشمه‌زایای زبانی که در ذهن او ساخته و پرداخته شده است، هر اندازه که بخواهد پیام تولید می‌کند و پیام‌های تولیدی دیگران را نیز می‌فهمد و اندیشه‌های خود را در قالب ساخت‌های زبان به گوش شنونده‌گان خود می‌رساند.

به طور خلاصه، یادگیری زبان با مهارت دریانت *skill getting* به کار می‌افتد و بعد از تنظیم آموخته‌ها و ساخت پذیر شدن آن آموخته‌ها و کسب مهارت‌های شنیداری و بیانی، نوبت به مهارت بهره‌گیری *skill using* می‌رسد که همان بیرون کشیدن آموخته‌ها و اندوخته‌های زبانی از ذهن یا از چشمه‌زایای زبانی است که در مغز شکل گرفته است. بهره‌گیری از آموخته‌های زبانی می‌تواند بیان شفاهی باشد یا بیان نوشتاری. بنابراین تا یادگیری از مرحله ریختن عناصر زبانی - سه نظام زبان - به ذهن از خلال گفتگوهای آغازین شروع نشود، چشمه‌زایای زبانی همچون غربال صوتی در ذهن زبان‌آموز تشکیل نگردد، ذهن از آموخته‌های زبانی پُر نگردد، چون چشمه‌زبانی خالی از عناصر زبانی است، بیرون کشیدن آموخته از درون چشمه‌خالی امکان پذیر نیست. بنابراین، چشمه‌زایای زبانی باید پُر از عناصر زبانی ساخت پذیر بشود.

برای علمی شدن آموزش زبان عربی پایه چه باید کرد؟

برای این که زبان آموز بتواند با سهولت و بدون مشکل شل اهل زبان، عربی حرف بزند و بنویسد باید با یک روش جدید علمی آموزش زبان، یادگیری و آموخته‌های زبانی در سه مرحله‌ای که در بالا اشاره شد به ذهن رسوخ کند.

تفاوت روش‌های جدید آموزش زبان با روش‌های سنتی، بر اساس زبانی است که آموزش داده می‌شود و نیز بر پایه مشکلات روانی موجود در یادگیری زبان‌ها دقیقاً بر محور دقت علمی روش‌های جدید آموزش زبان استوار است و فلسفه پربادگیری پایه آن را تشکیل می‌دهد. امروزه مؤلف کتاب و به معلم زبان دیگر اجازه داده نمی‌شود که تنها بر اساس میل خود عمل

کند. اصولاً محتوای کتاب‌های زبان و تک تک درس‌ها بر مبنای تجزیه و تحلیل‌های زبانی استوار است. مقایسه زبان مادری زبان‌آموزان و زبان عربی، تفاوت‌های آن دو زبان و شباهت‌های ساخت‌ها در درس‌ها رعایت می‌گردد.

و اما رعایت پیشروی گام به گام نیز بر پایه تجزیه و تحلیل‌های دو زبان لازمه یک تألیف خوب است. واقعیت امر، این است که هیچکس نمی‌تواند مدعی باشد که می‌تواند زبان را یک جا تدریس کند. چون نمی‌توانیم زبان را یک جا تدریس کنیم و زبان آموز هم قادر نیست زبان را یک جا یاد بگیرد. لذا باید در تدریس زبان دست به برش‌های منطقی بزنیم و زبان را در برش‌های منظم پشت سر هم تدریس کنیم. البته باید گفت که آموزش نشرده زبان مؤثرتر از آموزش گسترده آن در طول سال‌های تحصیلی است.

در این صورت فقط با تأکید بر پژوهش‌های زبانشناسی، یافته‌های زبانشناسی کار بسته و دست‌آوردهای علم آموزی می‌توان وارد عمل شد. (۱۷) بر اساس این پژوهش‌ها می‌توان به گنجینه مطالعات آماری دقیق دست یافت و درگزینش واژه از معیارهای بسامد، رخداد، زودیابی، آسانی واژه در یادگیری، ارزش یافت واژه و چند معیار دیگر از جمله گزینش موضوع‌های رغبت‌زا و مورد علاقه زبان آموز سود جست. در زمینه ارائه مواد زبانی انتخاب شده و تقسیم و پخش آن در درس‌ها چه در کلاس و چه در کتاب زبان لازم است از روانشناسی کمک بگیریم. براساس تجربه‌های مفید و دقت علمی و ارزیابی مادر طول آموزش و یادگیری می‌توان به این نکته مهم پی برد و گفت که در چه شرایطی تصویر و صوت همراه با ترنم موسیقائی به فهم مطلب و به درک خوب و خودی‌سازی جمله‌ها کمک می‌کند. براساس همین تجربه‌هاست که می‌توان به اهمیت و نقش سازنده ضبط صوت، آزابی‌نگاه‌های زبان و کاربرد تخته ماهوتی در کلاس‌های پُر جمعیت و ارزش و اهمیت موسیقی در یادگیری‌های فردی پی‌برد و نتیجه گرفت که چرا بهره‌گیری از صوت یکنواخت و تصویر همراه بانگ‌های موسیقائی در روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه در کلاس به رغبت زبان‌آموز در یادگیری زبان می‌افزاید و میل او را همیشه در یادگیری تشنه نگه می‌دارد. و باز از خلال این تجربه‌ها در خواهیم یافت که چگونه زبان‌آموز، با روش‌های سنتی متدوال و رایج زبان که خشک و بی‌روح و خالی از نغمه‌های موسیقائی هستند، از یادگیری زبان دل زده می‌شود و و خیلی زود یادگیری را رها می‌کند.

### گیرائی درس‌های زبان

با گنج‌نیدن درس‌هایی در کتاب زبان که واژه‌های نامأنوس، سخت و سنگین دارند، گیرائی موضوع درس به حداقل می‌رسد و آوردن موضوع‌های خُشک در درس‌ها انگیزه یادگیری را تقلیل می‌دهد و انگیزش را در شاگردان می‌کشد. مخصوصاً کمبود انگیزش عمیق در شاگردان زمانی نمایان می‌شود که گیرائی درس‌های تازه رو به کاهش بگذارد. در این مورد می‌توان به مشکلات آموزش عربی پایه و امتیازهای آن توجه داشت و با تهیه یک روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه مطابق نیاز علائق بچه‌ها و نوع تصویرهایی که بچه‌ها دوست دارند، با عنایت کامل به معیارهای گزینش واژه، معیارهای گزینش جمله‌های پُرکاربرد، از مشکلات آموزش زبان عربی پایه کاست و امر مهم یادگیری را در مرحله پیشرفته براساس گفتگوهای آموزنده‌ای بر پایه قصه‌های قرآن کریم تقویت کرد، چراکه با این روش کودک زبان آموز را به آموختن متون دینی ترغیب خواهیم کرد.

### پربادگیری و خودی‌سازی

نخستین مرحله درس عربی پایه سمعی و بصری ساخت یکپارچه آشنا سازی است. آشنا شدن با زبان، با جمله‌های پایه زبان در این مرحله شکل می‌گیرد. تکرار جمله‌ها، تقلید از الگوها، حفظ کردن گفتگوها، نیم مکالمه‌ها، موجب جذب ساخت‌ها در ذهن می‌شود. هدف اصلی در این مرحله تقلید درست از آهنگ جمله‌ها، آهنگینه‌ها، مکث‌ها و درنگ‌ها، نغمه‌ها و نوای گفتار است. این گونه زبان آموز یاد می‌گیرد که نحوه قرار گرفتن واژه‌ها در ساختمان جمله چگونه است. او کاربرد واژه‌ها را در محور هم‌نشینی و جانشینی می‌آموزد. (۱۸) مرحله خودی سازی را که آغاز پربادگیری است می‌توان، به سه مرحله کوچک تقسیم کرد و آن را در کلاس پیاده کرد: - مرحله آشنا شدن با جمله‌های ساده، روان و کوتاه زبان عربی پایه که با تصویر ارائه می‌شوند.

- مرحله توضیح معنی واژه‌ها، رسیدن به درک کامل و رسیدن به معنی، به کمک تصویر و جمله‌های آموخته قبلی.

- اصلاح تلفظ‌ها و تقلید درست از الگوها، به منظور ریختن آموخته‌ها در چشمه زبانی.

### نقش معلم و خلاقیت و تقلید

تلاش معلم عاشق به یاد دادن، معلم شیفته آموزش دادن، در کلاس زبان راز موفقیت است.

معلم زبانی که شغل انبیاء را برگزیده است، باید خوب بداند که زبان قرآن کریم را آموزش می‌دهد.

معلم چاره‌ای ندارد که زبان آموزان را به سوی آموزش فردی بکشانند. بعد از پیاده کردن هدف‌های

آشناسازی در هر درس، معلم می‌تواند از زبان آموز بخواهد که در خانه با آهنگ فردی خود کار

کند. با کار و تلاش انفرادی، با گوش کردن به نوارها، با تکرارهای هدایت شده، یادگیری خود را

در هر درس کامل کند. اگر زبان آموز اقدام به کار فردی نکند، هرگز نمی‌تواند زبان یاد بگیرد،

نمی‌تواند حرف زدن بیاموزد، نمی‌تواند به عادت‌های زبانی تسلط پیدا کند. اگر زبان آموز نخواهد

یاد بگیرد، هرگز تسلیم یادگرفتن نمی‌شود. (۱۹)

اگر سن زبان آموزی که عربی با زبان دیگری یاد می‌گیرد زیر ده سال باشد، قدرت تقلید و

خلاقیت او به یادگیری معنی دار کمک می‌کند و ساخت پذیری زبان خیلی زود آغاز می‌گردد و

کودک زبان آموز ناخود آگاه به یادگیری قاعده‌های زبان می‌پردازد: کودک به هنگام فراگیری زبان

مادری هم برای خود ... یک سلسله قاعده می‌سازد، قاعده‌ها را با الگوهای اطرافیان مقایسه

می‌کند و قاعده‌های درست را به ذهن می‌سپارد.

به کار افتادن خلاقیت و تقلید به عوامل چند بستگی دارد و بر حسب سال تحصیلی، سن

لحظه یادگیری، ساعت یادگیری، طول درس‌ها، گیرایی درس‌ها، زبانی که تدریس می‌شود،

شخصیت معلم، نوع کلاس، نوع زبان آموز، جامعه، هدف‌های درس، محیط اجتماعی، فرهنگی،

خانوادگی و تلقی پدر و مادر از درس زبان عربی، برنامه‌های تحصیلی و آینده نگری خود



زبان آموز، اهمیت زبان در جامعه برای ورود به دانشگاه، اهمیت دینی زبان و عواملی از این قبیل بستگی دارد و همه این معیارها در یادگیری رغبت‌زای زبان عربی پایه بی‌تأثیر نیستند. کودک زبان آموز، از قدرت خلاقیت و تقلید خود بی‌خبر است. اگر تلاش معلم زبان عربی برنامه‌ریزی شده باشد و خود معلم انگیزه و سرسختی به یاد دادن داشته باشد، در زبان آموزان رغبت بیشتری به یادگیری پیدا می‌شود.

زبان آموزی که به کلاس آمده است، علاقه‌های خاص خود را دارد. این معلم است که باید به علاقه‌های او جهت بدهد. انگیزش و علاقه معلم عربی به یاد دادن باید بیشتر از علاقه زبان آموز به یادگرفتن باشد. در این صورت است که معلم اگر از رفاه نسبی زندگی برخوردار باشد، با خیال راحت و فکر آسوده، به وظیفه‌اش همت می‌گمارد و مانند مادر عمل می‌کند، مادری که با سرسختی به فرزندش زبان یاد می‌دهد. اما به نکته‌ای باید توجه داشت و آن این که در روند فراگیری تکلم، کودک که از مادر و محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. ولی در کلاس زبان عربی، زبان آموزان از کتاب و معلم زبان یاد می‌گیرند. بنابراین یادگیری زبان در کلاس تفاوت عمده‌ای با فراگیری تکلم کودک دارد. کودک از خردسالی شروع به فراگیری زبان می‌کند او در خانه تک و تنهاست و معلمان اطراف او بشمارند. در محیط خانواده همه به کمک او می‌شتابند. اما معلم زبان عربی خود در کلاس تنهاست و زبان آموزان در کلاس فراوانند. یادگیری زبان در یک کلاس پر جمعیت با ده‌ها کودک ند و نیم قد مشکل است و دست و پنجه نرم کردن با شاگردان زیاد در کلاس زبان کاری سخت و دشوار است. اما روش سمعی و بصری ساخت یکپارچه راه‌های زبان یاد دادن، زبان یادگرفتن را به خوبی هموار کرده است.

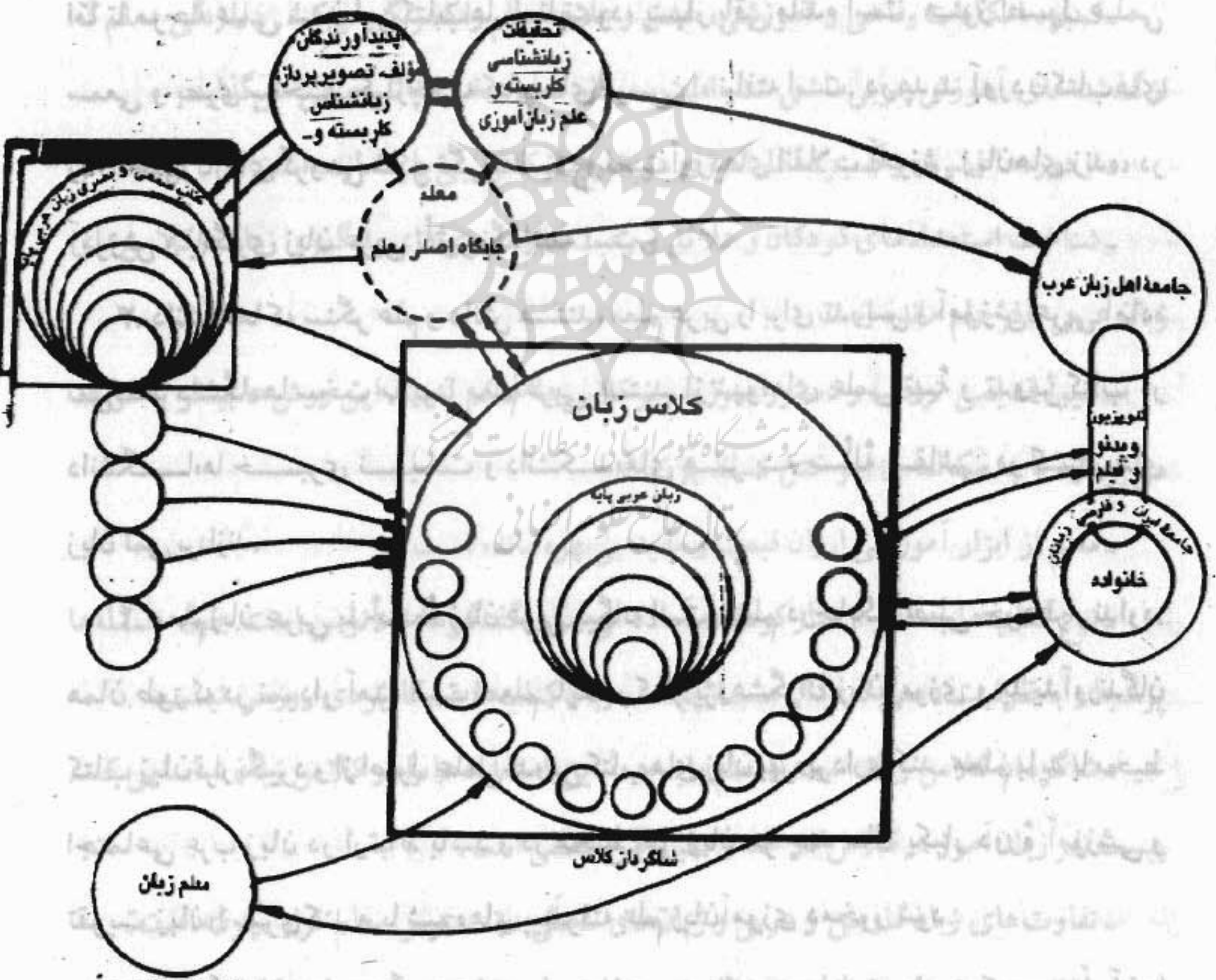
## نتیجه

معلم در کارگاه زبان، کارگردانی پویا و خلاق است. در شرایطی که کلاس معلم هر سال عوض می‌شود و هر سال زبان آموزان تازه‌ای را به او می‌سپارند، معلم کارش در این کارگاه در حال تغییر سخت و دشوار است. در این شرایط متغیر، معلم چگونه می‌تواند در طول سال و در چند سال متوالی، زبان را در برش‌های زمانی گوناگون دور از هم آموزش دهد.

پرداختن به زبان عربی، هفته‌ای سه ساعت، بسیار اندک است. در شرایط مصنوعی کلاس زبان، ایجاد رفتاری مانند رفتار زبان مادری در زبان آموز محال است. تکلم کودک در سی ماه و اندی به شکوفائی می‌رسد و کودک به علت نیاز مبرم پیوسته در تلاش است. ولی در کلاس‌های سنتی آموزش زبان ابدأ چنین شرایطی فراهم نیست. در کارگاه زبان سمعی و بصری، این شرایط تا اندازه‌ای فراهم می‌شود. معلم نقش مادر را به عهده می‌گیرد. او هماهنگ کننده است. او بازی‌گر فعال کلاس است. تلاش در پویا کردن آموخته‌های زبان آموز اساس کار معلم را تشکیل می‌دهد. معلم سمعی و بصری در آموختن عربی پایه فقط به پیاده کردن برنامه‌های درسی بسنده نمی‌کند. او خود را در مقام پدید آورنده قرار می‌گیرد و در مقام محقق زبان شناس کاربرده از کارکرد زبان شناخت کافی کسب می‌کند. او کمبودهای کتاب و کاستی‌های تمرین‌های شفاهی را جبران می‌کند. بر اساس خطاهای زبانی، تمرین‌های فراوانی می‌سازد.

معلم مکمل کتاب سمعی و بصری است. او در کار آموزش بین تک تک زبان آموزان در ایجاد شور و شوق تلاش به خرج می‌دهد و در لحظه‌های یادگیری، آموخته‌ها را کنترل می‌کند. فضای کلاس پر از صحنه‌های خاص آموختن است. فضای تلاش و بده بستن‌های زبانی است. هر لحظه از کلاس برای معلم لحظه امتحان گرفتن است و زبان آموز به نوبه خود هم در حال گذاراندن امتحان شفاهی است. او باید در هر لحظه یادگیری آماده باشد و سریع آموخته‌هایش را عین الگوهای به خاطر سپرده‌اش پس دهد. کلاس زبان سه رکن اصلی دارد: معلم، زبان آموز و کتاب که

هر سه در تمام صحنه‌های آموزش کلاس حضور دارند. (۴۰) اما این زبان آموز است که یاد می‌گیرد و معلم و کتاب است که به او یاد می‌دهند که چگونه یاد بگیرد. پربادگیری زبان به نهاد اجتماعی دیگری هم نیاز دارد که از دسترس زبان آموز بیرون است. جرگه اهل زبان یا محیط اجتماعی اهل زبان یادگیری را تقویت می‌کند. هر چند یادگیری به سه رکن اصلی پیوند دارد اما در زیانه شدن لازمه اش این است که زبان آموز طبق نمودار زیر در زبان غوطه‌ور شود:



جایگاه غیر واقعی معلم

در فضاها و صحنه‌هایی که در نمودار آمده است، می‌توان در آموزش و یادگیری عربی پایه کمبودهایی جستجو کرد:

۱. کمبود تحقیقات زبانشناسی و زیانشناسی کار بسته همچنان به خوبی مشهود است و درباره گزینش مواد زبانی و شناخت نیازهای زبان‌آموزان منطقه‌های مختلف و روند یادگیری پژوهش‌های اصولی صورت نگرفته است.

۲. هر چند در این دو دهه اخیر، کتاب‌های عربی از نظر کمی و کیفی دستخوش تحول شده‌اند اما تا مرحله علمی شدن این کتاب‌ها راه ناپیموده بسیار باقی مانده است. هنوز اصول علمی سمعی و بصری ساخت یکپارچه به کتاب‌های درسی راه نیافته است. در پدید آوردن کتاب‌های زبان، هنوز کارهای گروهی شکل نگرفته است و دست‌آوردهای انقلاب آموزش زبان‌های زنده، در آموزش و یادگیری زبان عربی تأثیر نگذاشته است.

۳. دانشگاه‌ها که سنگر علم و دانش هستند، معلم عربی را برای تدریس و آموزش عربی آماده نمی‌کنند دانشگاه‌ها سخت‌مدیون معلم عربی هستند. از شیوه‌های علمی تهیه و تدوین کتاب در دانشگاه‌ها خبری نیست و دانشکده‌های هنر به مسأله نقاشی در کتاب‌های زبان نمی‌پردازند.

۴. معلم زبان عربی با جامعه زبان عربی بیگانه است. معلم در جایگاه اصلی خود قرار ندارد. همان‌طور که در نمودار آمده است، معلم باید در کنار پژوهشگران زبان‌آموزی و پدیدآورندگان کتاب زبان قرار بگیرد و از اصول علمی تدوین کتاب‌های زبان بهره‌برداری کند. معلم باید با محیط اجتماعی عرب زبان در ارتباط باشد و در محیط اهل زبان هر چند سال یکبار دوره آموزشی و تقویت زبان را سپری کند و با شیوه‌های پیشرفته علم زبان‌آموزی دمخور شود.

۵. اما گرفتاری‌ها و درگیری‌های معلم زبان عربی زائیده مسایل زیر است که در حل آنها باید سخت‌کوشید:

- معلم ده برابر، حتی به جرئت می‌توان گفت صدها برابر عربی پایه سواد دارد، اما امکان نیافته است که عربی حرف بزند و دانسته‌های خود را به زبان آموزان انتقال دهد. شیوه‌های کهنه آموزش زبان عربی و عوض شدن تند تند کتاب‌ها سخت برایش رنج‌آور است.
- معلم زبان خارج از جریان تحقیق و تدوین کتاب‌های درسی زبان است. حال آن‌اگر شیوه‌های تحقیق و راه‌های تدوین را خوب بشناسد، آماده سازی درس‌ها برای او بهتر عملی می‌شود.
- کمبود امکانات رفاهی و آموزشی، عشق و علاقه معلم را کم‌رنگ می‌کند. دن زدگی معلم که از گذشته‌های آموزش عربی ناشی شده است، در کار معلم سخت تأثیر منفی می‌گذارد.
- از دوره‌ها فشرده و گسترده کارآموزی در خارج از کشور بی بهره مانده است.
- شناخت استعدادهای کودکان و علائق و رغبت‌ها و تئوری‌های یادگیری زبان در کلاس‌های زبان عربی نافرجام مانده است.
- شیوه قدیمی ترجمه و دستور هنوز هم بر کلاس‌ها حاکم است. این روش‌ها بیشتر به قواعد می‌پردازد تا به مکالمه و آموختن تسلط بر زبان.
- معلم از ابزار آموزشی ارزان قیمت و مفید بی بهره مانده است.
- نوع کتاب‌ها به دور از نیاز کودکان آماده می‌شود، گفتگوها نامأنوس است. طول جمله‌ها پرهجا و با ظرفیت ذهنی کودکان همساز نیست. زبان کتاب‌ها هم کاربردی روزمره نیست.
- شاگردان کلاس زیاد است و معلم باید همه این استعدادها را در کلاس زبان شناسایی کند. بیست نفر زبان آموز در کلاس در حد و معیار بین‌المللی است.
- تفاوت‌های زبان ناری و عربی و زبان‌های محلی در دسترس معلم قرار نگرفته است.
- مطالب درسی‌های زبان عربی یک بار در کلاس شرح داده می‌شود و شاگردان به حال خود رها می‌شوند.

- از کارهای فردی، از خلاقیت‌های نردی خبری نیست و شیوه‌های گفتگویی و نمایشی در کلاس‌های زبان چندان رونق نیافته است.

- نوار صوتی، فیلم، کتاب معلم راهنمای تدریس در دسترس معلم زبان قرار نمی‌گیرد.

- نوع کتاب‌ها با زندگی روزمره بچه‌ها همسویی ندارد.

اگر آموزش عربی در نظام آموزشی با اقبال رو به رو نیست، جنبه ذهنی، عقلی و درون‌گرائی دارد. با روش ترجمه و دستور و روش مکتب‌خانه‌ها، نمی‌توان در زبان‌آموز رفتار زبانی ایجاد کرد، مسأله‌ای که از دید روانشناسی یادگیری پُراهمیت است.

از لحاظ شیوه‌های تدریس معلم در دانشگاه‌ها برای اجرای وظایف خطیر علمی کردن آموزش عربی ساخته نشده است. دانش‌زبانی او درباره زبان عربی و ادبیات جدید و قدیم آن بسیار بالاست اما از دست‌آوردهای علم زبان آموزی بی‌بهره مانده است. از حق معلم در این باب کوتاهی می‌شود. آن چه معلم در دانشگاه می‌آموزد به درد کلاس و کلاس‌داری نمی‌خورد. معلم باید در دانشگاه یاد بگیرد که به یاد دادن عشق بورزد. نه این که یاد بگیرد نقش «استاد عربی» را ایفا کند. معلم باید یاد بگیرد که چگونه عربی آموزش دهد چون عربی زبان قرآن کریم است و یاد دادن زبان قرآن به زبان‌آموزان وظیفه‌ی بسیار سنگین است.

یادگیری، نباید تنها به آموخته‌های کلاس متکی باشد. یادگیری زبان به دور از محیط اهل زبان به دشواری تقویت می‌شود. با ایجاد محیط مصنوعی می‌توان زبان‌آموز را در زبان غوطه‌ور ساخت. با آوردن فیلم سینمایی جذاب به کلاس‌ها می‌توان کمبودها را جبران کرد و از انواع برنامه‌های آموزشی و کارتونی و برنامه‌های فرهنگی به زبان عربی نیز بهره جست. (۲۱)

بی‌شک سه رکن اساسی کلاس زبان سخت به نهاد اجتماعی اهل زبان محتاج است. سه رکن معلم، کتاب، زبان‌آموز همیشه در کلاس حضور دارند و هر کدام به یکی از این سه سؤال چه آموزش دهیم؟ چگونه آموزش دهیم؟ و چگونه یاد بگیریم؟ پاسخ می‌دهند و با قرار گرفتن در

محیط فرهنگی، اجتماعی مصنوعی اهل زبان، یادگیری‌ها ریشه‌دار می‌شود و به سؤال چگونه در محیط اجتماعی اهل زبان ارتباط برقرار کنیم؟ پاسخ داده می‌شود. این روش در این کتاب در این زمینه در امر یادگیری زبان عربی پایه باید به مسأله بسیار مهم و حساس تلقین‌شکاو توجه داشت. از راه تلقین می‌توان زبان‌آموز را به تفکر واداشت که بیشتر به اهمیت زبان عربی بیندیشند و در بحث‌ها و گفتگوهای کلاسی و فوق برنامه‌ای آرام آرام دریابند که

- تسلط بر عربی به فهم متون دینی و قصه‌های قرآن کریم کمک می‌کند.
- تسلط بر عربی کلید فهم متون فلسفی، منطق و حقوق است.
- تسلط بر زبان عربی به فهم ادبیات بسیار غنی فارسی کمک می‌کند و زبان‌آموز آماده می‌شود تا حافظ، سعدی، مولوی و دیگر بزرگان ادب فارسی را بهتر بشناسد. (۲۲)

### منابع و یادداشتها

- ۱- آذری نجف‌آباد، الله‌وردی: و دیگران السلام علیکم با اخی، الجزء الاول، روش یکپارچه سمعی و بصری آموزش مکالمه عربی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۴، پیش‌گفتار صفحات ۵ و ۶.
- ۲- ژیرا، دنی و گالیسون، روبر: زبان‌شناسی کاربرده و علم زبان‌آموزی، ترجمه الله‌وردی آذری نجف‌آباد، جهاد دانشگاهی مرکز، آبان‌ماه ۱۳۶۶، تمرین‌های ساختاری و روش تهیه آن، صص ۳۸۷-۳۳۹.
- ۳- همان‌ماخذ، مرحله بهره‌برداری چیست؟ صص ۲۵۵-۲۳۵.
- 4- Renard, Raymond, introduction à la méthode verbo - tonale de correction phonétique, Didier 1971 & Aupècle, Maurice, L'apprentissage du français Langue Vivante, Librairie Antoin Beyrouth, 1972, P P136-137.
- ۵- آذری نجف‌آباد، الله‌وردی: یادگیری زبان و رشد وازگان کودک، جهاد دانشگاهی مرکز، ۱۳۶۴، فصل نیم زبان و رشد وازگان کودک.

- ۶- همان مأخذ.
- ۷- بدره‌ای، فریدون: واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران، فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۲، پیش‌گفتار صص ۱۴-۱۵. همچنین نگاه کنید به؛ مأخذ شماره ۱، مبحث مهارتهای زبانی، مهارت شنیداری، مهارت گفتاری، مهارت خوانداری و مهارت نوشتاری.
- ۸- مأخذ پیشین، بخش دوم، فنون یادگیری زبان و مراحل آن، صص ۱۱۱-۱۷۵.
- 9- Aupècle, Maurice, L'apprentissage du français Langue Vivante, Librairie Antoin Beyrouth, 1972, P P 115-118.
- ۱۰- همان مأخذ، ص ۱۱۸.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۱۱۷.
- 12-Renard, Raymond, introduction à la méthode verbo - tonale de correction phonétique, Didier 1971. P.P 117-118.
- 13- Aupècle, Maurice, L'apprentissage du français Langue Vivante, Librairie Antoin Beyrouth, 1972, P P 118-119.
- 14- Rivenc, Paul. La prolématique SGAV aujourd'hui R.P.A 1991.
- ۱۵- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، شماره ۲ مسلسل ۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۴۷، جدول.
- 16- Puren, Christian, Histoire des méthodologies de l'enseignement des Langues Nathan, Clé International, 1988 & Rivenc, Paul. La prolématique SGAV aujourd'hui, 1991, P.P; 14-258.
- ۱۷- مأخذ شماره ۲، فصل ۸، به سوی برداشتی علمی از آموزش زبان‌ها، صص ۳۱۱-۳۱۳.



۱۸- همان مأخذ، مباحث، انواع تمرین‌های ساختاری و روش تهیه آنها، ص ۳۴۷ و اصول روانی

تمرین‌های ساختاری، صص ۳۵۵-۳۵۱.

19- Schiffler Ludger, La suggestopédie et le superlearning, Didier 1989.

۲۰- زبانشناسی کاربرده و علم زبان‌آموزی، پیشین، فصل اول، و زبانشناسی کاربرده و علم زبان‌آموزی و

روش‌های سمعی و بصری و یادگیری زبان‌ها، ده مقاله به کوشش الله‌وردی آذری نجف آباد، آستان

قدس رضوی، دی‌ماه ۱۳۶۶، روش‌های آموزش زبان.

۲۱- روش‌های سمعی و بصری و یادگیری زبان‌ها، پیشگفتار، صص ح.خ.د.د.

۲۲- در این مقاله علاوه بر منابع و یادداشتهای فوق از منابع زیر نیز بطور گسترده‌ای استفاده شده است:

منابع عربی:

- الدكتور احمد علی، أسعد، السبر الادبی: روضات لعرفة الله و القيم النقدیة تدسیق المؤلفات العالمیة،

الاتحاد العالمی للمؤلفین باللغة العربیة، باریس.

- غازی، یوسف، مدخل الی الألسنیة، منشورات العالم العربی الجامعیة، دمشق ۱۹۸۵.

- حردان جرجوره، مینیة رولان، هنری عوش، دینیسی یوسف و... کتاب المعلم ۱، من الخلیج الی

المحیط، منشورات دیدیة، مکتبة أ. هاتیة - باریس ۱۹۷۹.

- ریخ، دانیال، کتاب التصریف، میزونوف لاروز، ۱۹۸۵، باریس.

- الدحداح أنطوان، معجم تصریف الافعال العربیة، مکتبه لبنان ناشرون، طبعة ثالثه ۱۹۹۶، بیروت،

لبنان.

منابع فارسی:

- آذری نجف آباد، الله‌وردی، اثر تصویر در آموزش زبان غربی پایه با روش سمعی و بصری ساخت

یکپارچه = تأثیر تصویر فی تعلم اللغة العربیة الأساسیة التركیبیة الإحمالبة السمعیة البصریة، سخنرانی

نگارنده در همایش بین‌المللی آموزش و یادگیری زبان عربی و مقتضیات آن در قرن بیست و یکم، پنجم

- و ششم ایاز، ماه مه ۱۹۹۸، مرکز اللغات، جامعة اليرموك - اربد - الاردن.
- ذیرا، دنی و گالیسون، روبر، زبان‌شناسی کاربرده و علم زبان آموزی، ترجمه الله وردی آذری نجف آباد، جهاد دانشگاهی مرکز، آبان ماه ۱۳۶۶.
- روش‌های سمعی و بصری و یادگیری زبان‌ها، ده مقاله به کوشش الله وردی آذری نجف آباد، آستان قدس رضوی، دی ماه ۱۳۶۶.
- مه کی، ویلیام فرانسیس، تحلیل آموزش زبان، ترجمه حسین مریدی، آستان قدس، ۱۳۷۰.

## منابع فرائسه:

- Méthodes et Méthodologies, le français dans le monde, Recherches et Applications, Hachette, Janvier 1995.
- Coste. D. Contribution à une renouation de l'apprentissage et de l'enseignement des langues, Conseil de l'Europe/ projet langues vivantes, Hatier, 1982.
- Marchand Frank, Manuel de linguistique appliquée, tome 1, ouvrage collectif coordonné par - L' acquisition du langage, Enfants; immigrés/ Delagrave 1975.